

بررسی وضعیت اشتغال اعضای کانون ناشنوایان شهر تهران

گیتا موللی^۱، سید مجید میرخانی^۲، شهروز نعمتی^۳، مریم مللی^۱

^۱ - گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

^۲ - گروه مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

^۳ - گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: شغل نقش مهم و ارزشمندی در امنیت روانی، فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان دارد. وضعیت شغلی ناشنوایان می‌تواند در ایجاد بهداشت فردی و اجتماعی این گروه مفید باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت اشتغال به کار ناشنوایان عضو کانون ناشنوایان انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر روی اعضای کانون ناشنوایان شهر تهران با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته در سه قسمت مجزا شامل داده‌های اولیه، ارزیابی وضعیت اشتغال و ارزیابی نگرش ناشنوایان مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج در سه بخش مجزا حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از جامعه کانون ناشنوایان را جوانان تشکیل می‌دهند که ۶۸ نفر از آنها زن (۵۲/۵٪) و ۵۳ نفر از آنها مرد (۴۷/۵٪) بودند؛ ۵۶/۲ درصد افراد بیکار و ۴۳/۸ درصد شاغل بودند و دارای مشکلاتی اعم از عدم ارائه تسهیلات مرتبط با معلولیت (۱۴/۵٪)، مشکل در برقراری ارتباط در محیط کار (۹/۴٪)، دستمزد کمتر از سایرین (افراد عادی) به دلیل معلولیت (۱۲/۴٪)، دوری مسافت (۱۵/۴)، تناسب محیط کار با ناشنوایی (۱۱/۴٪)، رفتار نامناسب همکاران (۱۳/۲٪)، رفتار نامناسب مدیر (۱۲/۵٪) و تبعیض به علت معلولیت (۱۱/۲٪) بوده‌اند؛ نگرش ناشنوایان در تمام موارد مثبت و ۹۰ درصد آنها شغل را یکی از ضروریات زندگی و در مقابل ۱۰ درصد آن را غیرضروری دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری: تعداد بسیار زیادی از ناشنوایان بیکار بودند، و لازم است در سیاست‌های موجود برای تسهیل اشتغال به کار این گروه بزرگ از معلولین تجدید نظری صورت گیرد.

واژگان کلیدی: اشتغال، ناشنوایان، کانون ناشنوایان

(دریافت مقاله: ۸۹/۹/۸، پذیرش: ۹۰/۱/۱۵)

مقدمه

کشور ما که گروه عظیمی از جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند، گسترش فرصت‌های شغلی از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است. به دلیل محدودیت توانمندی‌های معلولان، مسئله بیکاری آنها به صورت حادثی مطرح است (۶)، به طوری که حتی در پیشرفته‌ترین کشورها معلولیت همواره به‌عنوان سدی جدی در برابر اشتغال خودنمایی می‌کند. از سوی دیگر، اهمیت موضوع اشتغال تا آن حد است که از شاخص‌های کیفیت زندگی به شمار می‌رود (۷ و ۸).

براساس آمار جهانی میزان شیوع ناشنوایی مادرزادی، یک تا سه مورد در هر هزار نوزاد است (۱). اگر بروز کم‌شنوایی اکتسابی در سال‌های پس از تولد را هم در نظر بگیریم، این آمار افزایش می‌یابد (۲). با توجه به این که ناشنوایی در درجه نخست قدرت ارتباطی فرد ناشنوا را متأثر می‌کند، اشتغال به کار و جستجوی کار را برای ناشنوایان بسیار مشکل می‌سازد (۳).

موضوع اشتغال همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی ملتها بوده است (۴ و ۵)، به‌ویژه در

شهر تهران، به‌عنوان نمونه‌ای قابل دسترس از این گروه پرداختیم.

روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و جامعه آماری آن را اعضای کانون ناشنوایان شهر تهران تشکیل می‌دهند. از آنجا که در نمونه‌گیری تمام اعضای کانون ناشنوایان مورد بررسی قرار گرفتند، نمونه‌گیری صورت نگرفت و کل جامعه آماری به‌صورت تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفت که شامل ۲۰۰ نفر اعضای کانون ناشنوایان شهر تهران بودند. ۲۱ نفر آنها مایل به شرکت در پژوهش نبودند، ۵۸ نفر پرسش‌نامه را خالی یا ناقص تحویل دادند. از این رو تجزیه و تحلیل داده‌ها روی ۱۲۱ نفر از اعضا صورت گرفت.

در این پژوهش برای ارزیابی افراد ناشنوا و گردآوری داده‌ها از یک پرسش‌نامه ساخته محقق استفاده شد که شامل سه قسمت مجزا به‌ترتیب زیر بود:

۱- داده‌های اولیه (شامل سن، میزان تحصیلات، میزان کم‌شنوایی و غیره)؛

۲- داده‌هایی برای ارزیابی وضعیت اشتغال؛

۳- داده‌هایی برای ارزیابی نگرش ناشنوایان نسبت به اشتغال؛

برای اطمینان از روایی، پرسش‌نامه مورد بررسی شش نفر از متخصصان و استادان حیطه معلولیت و اشتغال قرار گرفت و مشخص شد که از روایی مناسبی (۰/۸۹) برخوردار است. پایایی پرسش‌نامه از طریق آزمون مجدد ۰/۸۸ و پایایی سؤالات از ۰/۴۵ تا ۰/۹۵ به دست آمد. اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از یک نمونه (پایلوت ۱۵ فوتی) و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ۰/۷۰ به‌دست آمد. سپس پرسش‌نامه روی تمام اعضای کانون اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها و بررسی آماری از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۱/۵ استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به این که در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت

برنامه جهانی سازمان ملل متحد برای هماهنگی برنامه‌های مربوط به ناتوانی سه هدف اصلی را تعیین کرده است: پیشگیری از ناتوانی، توانبخشی، و مشارکت کامل افراد ناتوان در زندگی و فرایند رشد و توسعه کشور همانند سایر افراد جامعه (۸).

ناگفته پیداست که برابری فرصت‌ها از طریق هماهنگی برنامه‌ریزان کشور ممکن خواهد بود، تا به این طریق امکانات عمومی جامعه، مانند محیط فیزیکی و فرهنگی، وسایل حمل و نقل، خدمات بهداشتی، فرهنگی و آموزشی برای همه افراد قابل دسترس باشد (۹).

با توجه به نقش بسیار مهمی که حرفه یا شغل در امنیت روانی، فردی، اجتماعی، و اقتصادی انسان دارد، می‌توان پی برد داشتن اطلاعات دقیق علمی در زمینه وضعیت شغلی ناشنوایان و استفاده از آن اطلاعات در برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت اشتغال آنان تا چه حد می‌تواند در ایجاد بهداشت فردی و اجتماعی این گروه از معلولان مفید باشد (۹).

اشتغال معلولان باعث می‌شود که آنها بهتر مورد پذیرش جامعه قرار گیرند و از جایگاه بهتری در جامعه برخوردار باشند و بتوانند ارتباطات خود را گسترده‌تر کنند (۱۰). ذکر این نکته لازم است که افراد ناشنوایی که به خوبی قادر به برقراری ارتباط باشند می‌توانند برای احراز تعداد نامحدودی از حرفه‌ها، البته به‌جز آن حرفه‌هایی که به دلایل ایمنی مستلزم داشتن قدرت شنوایی عادی است، در نظر گرفته شوند. ناشنوایان دیگر را که قادر به ایجاد ارتباط در سطح مطلوب نیستند می‌توان برای اشتغال در حرفه‌هایی در نظر گرفت که مستلزم ایجاد ارتباط مکرر با دیگران نباشد (۱۱). اگرچه این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است، با این حال متأسفانه با وجود جستجوی بسیار هیچ‌گونه مقاله یا پژوهشی که در ایران صرفاً به موضوع اشتغال پرداخته باشد یافت نشد، و دسترسی محققان به مقالات خارجی نیز در این زمینه بسیار محدود بوده است. با توجه به اهمیت اشتغال ناشنوایان و نبود گزارشی کامل درباره وضعیت اشتغال این گروه، در این پژوهش به بررسی توصیفی وضعیت اشتغال به کار اعضای کانون ناشنوایان

در زمینه ارتباط شغل فعلی ناشنویان شاغل با آموزش دریافتی آنها قبل از احراز شغل، قبل از احراز شغل، نتایج نشان داد که ۲۸/۳ درصد شغل فعلی خود را مرتبط با آموزش‌های قبل، ۳۴/۷ درصد آن را دارای ارتباط کم، و ۳۷ درصد بی‌ارتباط می‌دانند.

نود درصد ناشنویان شاغل شغل خود را به طریقی غیر از سازمان بهزیستی و وزارت کار (خود، خانواده، دوستان، و آشنایان) پیدا کرده‌اند و فقط در ۱۰ درصد این شاغلان شغل‌یابی از طریق سازمان بهزیستی و وزارت کار بوده است.

بررسی میزان درآمد ناشی از شغل نشان داد که میزان درآمد نزدیک به یک چهارم افراد دارای شغل (۲۴/۵٪) از حداقل دستمزد مصوب (۱۲۰ هزار تومان) کمتر بوده است؛ ۶۶ درصد درآمدی متوسط (۱۲۱ تا ۲۰۰ هزار تومان) داشته‌اند؛ و ۵/۷ درصد دارای درآمد مکفی (۲۰۱ تا ۲۸۰ هزار تومان) و ۳/۸ درصد دارای درآمد زیاد (بیش از ۲۸۰ هزار تومان) بوده‌اند. در مورد مکفی بودن یا نبودن درآمد، ۶۸ درصد درآمد ناشی از شغل‌شان را غیرمکفی و ۳۲ درصد درآمدشان را مکفی اعلام کردند. آنهایی که درآمدشان را غیرمکفی اعلام کردند برای گذران امور زندگی خود از منابع کمکی مختلفی استفاده می‌کردند، به‌عنوان مثال ۱۳/۲ درصد از منابع کمکی خانواده، ۰/۹ درصد دوستان، ۴/۱ درصد مؤسسات دولتی، ۱/۶ درصد مؤسسات خیریه استفاده می‌کردند، و ۸۰/۲ درصد نیز از هیچ کمکی استفاده نمی‌کردند. موارد عمده هزینه درآمد ناشی از کار عبارت بودند از: مسکن، خوراک، پوشاک، تفریح و امور فرهنگی، امور بهداشتی و درمانی و آموزش. ترتیب سهم این هزینه‌های عمده از بیشترین به کمترین عبارت است از: خوراک (۳۹/۷٪)، مسکن (۲۴/۶٪)، آموزش (۱۷/۱٪)، پوشاک (۱۱/۱٪)، بهداشت و درمان (۵٪)، و تفریح و سرگرمی (۲/۵٪).

وضعیت پس‌انداز ناشنویان نشان داد فقط ۱۸/۷ درصد دارای پس‌انداز و ۸۱/۳ درصد بدون پس‌انداز هستند. در بین ناشنویان ۲۹/۸ درصد دارای خانه شخصی بودند. ۲۸/۷ درصد نیز در مسکن همسر یا والدین خود و ۴۱/۵ درصد در منازل اجاره‌ای یا رهنی زندگی می‌کردند.

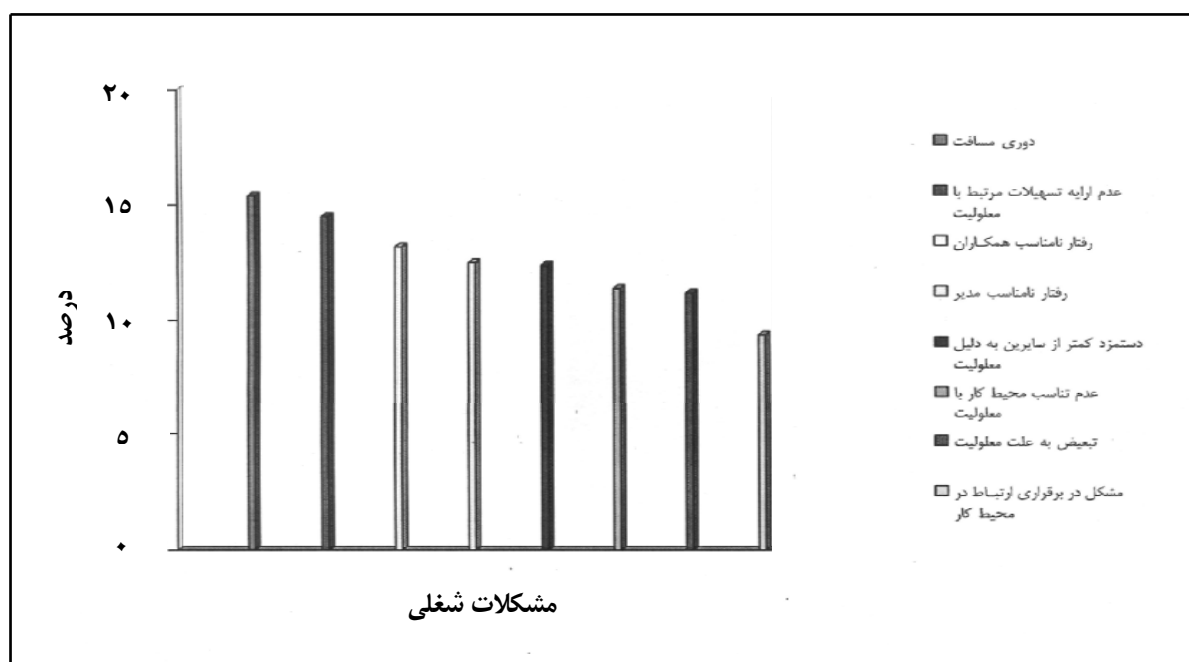
اشتغال ناشنویان و گردآوری داده‌ها از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته سه بخشی استفاده شد، یافته‌ها نیز در سه بخش مجزا ارائه می‌شود.

در بررسی بخش اول که شامل داده‌های اولیه بود جمعاً ۱۲۱ نفر از اعضای کانون مورد بررسی قرار گرفتند. ترکیب سنی و جنسیت نشان داد که ۶۸ نفر از زنان (۵۲/۵٪) و ۵۳ نفر از مردان (۴۷/۵٪) در ۷ گروه سنی از ۱۸ سال تا ۶۰ سال و بیشتر در این بررسی شرکت کرده‌اند. از این بین ۶۵ درصد متأهل و ۳۲ درصد مجرد بودند. بی‌همسران بر اثر فوت همسر و یا طلاق نیز جمعاً ۳ درصد را تشکیل می‌دادند.

بررسی وضعیت تحصیلی جامعه آماری حاکی از آن بود که ۹۸/۳ درصد افراد باسواد، ۵ درصد بی‌سواد و ۵/۷ درصد نیز وضعیت تحصیلی‌شان را اظهار نکرده‌اند. از بین باسوادان ۴۲/۱ درصد دارای دیپلم، ۷/۴ درصد فوق دیپلم، ۱۱/۶ درصد کارشناسی و ۰/۸ درصد کارشناسی ارشد بودند و وضعیت تحصیلی ۲۸/۱ درصد باقی‌مانده نیز سیکل یا دوره ابتدایی بود. همچنین، ۷۴/۶ درصد ناشنویان از مدارس استثنایی و ۲۵/۴ درصد از مدارس عادی فارغ‌التحصیل شده بودند.

بررسی وضعیت شنوایی حاکی از آن بود که ۴۳ درصد اعضا خود را نیمه‌شنوا (کم‌شنوایی شدید و کمتر) و ۵۷ درصد خود را ناشنوا (کم‌شنوایی عمیق) می‌دانند، و ۵۴/۷ درصد نیز علت ناشنوایی خود را مادرزادی یا ژنتیکی، ۳۸/۸ درصد بیماری و ۶/۵ درصد حوادث مختلف اعلام کردند. ۷۵/۷ درصد افراد از سمعک استفاده می‌کردند و ۲۴/۳ درصد نیز عدم استفاده از سمعک را اظهار نمودند.

بررسی وضعیت اشتغال که بخش دوم پرسش‌نامه را تشکیل می‌داد، نشان داد که میزان بیکاران جویای کار ۱۲/۴ درصد بیش از افراد شاغل است. ۵۶/۲ درصد افراد بیکار و ۴۳/۸ درصد شاغل بودند. برای آنکه از وضعیت بیکاران جویای کار مطلع شویم، آنان را در سه گروه مورد مطالعه به این شرح قرار دادیم: زنان خانه‌دار ۶۲/۷ درصد، در حال تحصیل ۱۳/۷، و افراد دارای درآمد بدون کار ۲۳/۶ درصد.



نمودار ۱- درصد فراوانی مشکلات شغلی ناشنوایان کانون ناشنوایان شهر تهران

همچنین، جامعه ناشنوای عضو کانون به تعدادی از مشکلات در زمینه اشتغال اشاره داشتند که در نمودار ۱ آمده و به قرار زیر است: عدم ارائه تسهیلات مرتبط با معلولیت (۱۴/۵٪)، مشکل در برقراری ارتباط در محیط کار (۹/۴٪)، دستمزد کمتر از افراد عادی به دلیل معلولیت (۱۲/۴٪)، دوری مسافت (۱۵/۴٪)، عدم تناسب محیط کار با شنوایی (۱۱/۴٪)، رفتار نامناسب همکاران (۱۳/۲٪)، رفتار نامناسب مدیر (۱۲/۵٪) و تبعیض به علت معلولیت (۱۱/۲٪).

در مباحث عمده توانبخشی همواره ضروری است تا رفتارها و رخدادها از منظر نوع نگرش فرد دارای محدودیت مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور نوع نگرش ناشنوایان نسبت به اشتغال نیز به عنوان بخش سوم پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت.

نود درصد ناشنوایان اشتغال را یک ضرورت، و ۱۰ درصد آن را غیرضروری می دانستند. ۹۱/۸ درصد آن را با اهمیت تلقی کرده اند، و ۸/۲ درصد نیز برای آن اهمیت قایل نبودند.

در مورد مدت حضور در شغل، ۴۴/۶ درصد کمتر از شش ماه، ۵/۸ درصد بین شش ماه تا یک سال و ۴۹/۶ درصد بیش از یک سال سابقه حضور در یک شغل داشتند. مدت انتظار جهت شروع مجدد کار برای آنهایی که بیکار می شدند به این ترتیب بود: ۲۰/۷ درصد بلافاصله یا در کمتر از شش ماه شغل دیگری می یافتند، برای ۲۲/۵ درصد آنها این مدت بین شش ماه تا یک سال بود، و ۵۶/۸ درصد بیش از یک سال بیکار و جویای کار بودند.

درباره وضعیت پایداری در مشاغل ۵/۳ درصد دو بار، ۴/۱ درصد از افراد بیش از دو بار و ۱۷/۱ درصد نیز تنها یک بار تغییر شغل داده بودند و البته ۷۳/۵ درصد چیزی اظهار نموده اند. از دیگر مقوله های مربوط به اشتغال نزد ناشنوایان وضعیت بیمه آنهاست. ۷۳/۵ درصد ناشنوایان شاغل تحت پوشش یکی از دو بیمه تامین اجتماعی یا خدمات درمانی قرار داشتند. ۲۴/۵ درصد تحت هیچ گونه بیمه ای نبودند و تنها ۱/۷ درصد آنان تحت پوشش بیمه بیکاری قرار داشتند.

جدول ۱- ارتباط وضعیت اشتغال ناشنوا و رفتار خانواده و دوستان و اعضای جامعه

رفتار تغییر نکرده یا بدتر شده		رفتار بهتر شده است		ارتباط وضعیت اشتغال و رفتار گروه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۹/۷	۳۶	۷۰/۳	۸۵	خانواده
۱۶/۱	۱۹	۸۳/۹	۱۰۲	دوستان
۲۲/۱	۲۷	۷۷/۹	۹۴	اعضای جامعه

رفتار بهتری را مشاهده کرده‌اند و ۱۶/۱ درصد تغییری در رفتار دوستان مشاهده نکرده‌اند. در مورد رفتار اعضای جامعه نیز ۷۷/۹ درصد رفتار بهتری مشاهده کرده‌اند، در حالی که ۲۲/۱ درصد تغییر رفتار بهتری مشاهده نکرده‌اند. ارتباط وضعیت اشتغال ناشنوایان و رفتار خانواده، دوستان و اعضای جامعه در جدول ۱ ارائه شده است.

در این بررسی، از اعضای کانون ناشنوایان پرسیدیم:

«به نظر شما مسئولان چه کارهایی باید انجام دهند تا وضعیت اشتغال و زندگی ناشنوایان بهتر شود؟»

برخی از ناشنوایان نظر خاصی ابراز نکردند و تعدادی نیز از یک تا پنج پیشنهاد ابراز داشتند. نظرات و پیشنهادها دسته‌بندی شد و در یک فهرست با یازده عنوان به ترتیب فراوانی تدوین شد که به ترتیب زیر است:

- ۱- ایجاد شرایط برای استخدام ۴۶ مورد؛ ۲- ارائه تسهیلات بانکی ۲۳ مورد؛ ۳- ارائه تسهیلات مسکن ۲۱ مورد؛ ۴- ارائه تسهیلات فرهنگی و اجتماعی ۲۱ مورد؛ ۵- فراهم آوردن مکانیزم‌های ارتباط با جامعه ۲۱ مورد؛ ۶- کمک به ایجاد امکانات و تسهیلات آموزشی ۱۳ مورد؛ ۷- ایجاد تسهیلات برای ازدواج ۱۳ مورد؛ ۸- برقراری زیرنویس برای فیلم‌های تلویزیونی ۱۲ مورد؛ ۹- استفاده از مشاوره حقوقی و خانوادگی ۷ مورد؛ ۱۰- ایجاد امکان استفاده از رابط ناشنوایان ۴ مورد؛ ۱۱- تسهیلات برای ارائه کمک ۳ مورد.

آنچه که این فهرست را قابل توجه می‌سازد این است که:

در مورد اهمیت درآمد (ناشی از کار و شغل) در گذران زندگی ۹۵/۱ درصد این مقوله را با اهمیت و ۴/۹ درصد آن را حائز اهمیت ذکر نکرده‌اند. پاسخ ناشنوایان در مورد ارتباط شغل با عدم وابستگی به خانواده و دیگران گویای آن است که ۹۳ درصد آن را مرتبط و تنها ۷ درصد آن را بی‌ارتباط دانسته‌اند.

بررسی رابطه بین شغل با افزایش مشارکت اجتماعی نشان داد ناشنوایان جامعه مورد پژوهش با میزان ۸۵/۱ درصد این رابطه را تأیید، و فقط ۱/۷ درصد آن را نفی کرده‌اند و ۱۳/۲ درصد نظری ارائه نداده‌اند.

رابطه شغل با علاقه فرد نیز نشان داد که ناشنوایان با میزان ۶۰/۳ درصد این بستگی را تأیید و ۵/۸ درصد آنان آن را تأیید نکرده‌اند، و ۳۳/۹ درصد نیز از اظهار نظر خودداری کرده‌اند. در خصوص ارتباط بین اشتغال و حس بهتر فرد ناشنوا ۹۵/۲ درصد از ناشنوایان این حس بهتر را تأیید و ۴/۸ درصد آن را تأیید نکرده‌اند.

در ادامه با اتکا به نظریه‌های توانبخشی مبتنی بر جامعه، نگرش فرد ناشنوا در مورد تغییر رفتار خانواده و دوستان و اطرافیان و اعضای جامعه، در صورت شاغل شدن فرد ناشنوا جویا شدیم. بیش از نیمی از ناشنوایان جامعه مورد پژوهش (۷۰/۳٪) اظهار کرده‌اند که رفتار اعضای خانواده با آنها پس از آن که شغلی یافته‌اند بهتر شده است، ۲۹/۷ درصد از آنها اظهار کرده‌اند نشانه‌ای از تغییر رفتار مثبت اعضای خانواده را احساس نکرده‌اند. نتایج همین مقوله در ارتباط با دوستان و اطرافیان نشان داد ۸۳/۹ درصد

ب- زنان به اندازه مردان به عضویت کانون درآمده‌اند و علاقه به مشارکت و همبستگی دارند؛

ج- ناشنوایان عضو کانون در سنین ۵۰ سالگی به بعد کمتر دارای شغل و علاقه به ادامه اشتغال هستند، یا حداقل میزان مشارکت آنان در این جمع و محیط اجتماعی رو به کاهش می‌نهد.

وضعیت سطح سواد حاکی از آن است که این مقوله می‌تواند گرایش مثبتی در ناشنوایان برای مشارکت در یک مجموعه متعلق به خود فراهم کند و به‌عنوان یک عامل مثبت در گردهم‌آیی آنان در یک مجموعه تشکیلاتی که مسائل خاص ناشنوایان را پیگیری می‌کنند عمل کند. بنابراین می‌توان امید داشت که هر چه وضعیت تحصیلی ناشنوایان بالاتر رود و بی‌سوادی کاهش یابد، مشارکت آنان در حل مسائل مربوط به خود بیشتر شود، و با توجه به علاقمندی ناشنوایان می‌توان امیدوار بود که اگر شرایط مثبت برای ادامه تحصیل آنان، چه به لحاظ روش تحصیل و چه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فراهم شود آنان میل بیشتری به ادامه تحصیل خواهند یافت. نباید فراموش کرد که ناشنوایان همچنان با شرایط احراز عادی به میدان تحصیلات عالی وارد می‌شوند و این برای آنان با دشواری‌هایی همراه است.

همچنین، افراد عضو کانون ناشنوایان از وضعیت شنوایی خود اطلاع دارند و با آگاهی به دسته‌بندی شنوایی خود پاسخ دادند. این آگاهی نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری طی چهار دهه در جامعه بر روی مدل‌های بالینی پاسخ داده و از این لحاظ افراد ناشنوا به وضعیت ناشنوایی خویش آگاه شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین عوامل اشتغال ناشنوایان که در بسیاری از جوامع وجود دارد وجود سازمان‌هایی است که واسطه ایجاد شغل برای ناشنوایان می‌شوند، زیرا جامعه کمتر می‌تواند مستقیماً با افراد ناشنوا ارتباط برقرار کند و ناشنوایان نیز در این زمینه مشکلات بسیار دارند. گرچه انجام یک کار را عمدتاً سازمان‌ها یا نهادهایی به عهده می‌گیرند و برای شغل‌یابی تسهیلاتی را فراهم می‌کنند. آخرین مرحله‌ای که در برنامه توانبخشی انجام می‌گیرد و از حساسیت ویژه‌ای نیز برخوردار است، توانبخشی حرفه‌ای است که

۱- یک سوم اعضای کانون دارای عقیده و نظر بودند و آن را ابراز کردند؛

۲- ۴۶ مورد (۳۸٪) پیشنهادها و نظرها حول محور اشتغال و فراهم کردن تسهیلاتی از جانب مسئولان ابراز شد. این مقوله نشان می‌دهد که اشتغال به‌عنوان محوری‌ترین مسئله‌ای است که ذهن ناشنوایان را به خود معطوف داشته و به زبان ساده کار و اشتغال مسئله اول ناشنوایان است؛

۳- ۲۳ مورد (۱۹٪) پیشنهادها و نظرها در ارتباط با کوشش مسئولان جهت ایجاد و ارائه تسهیلات بانکی برای اشتغال بهتر و مفیدتر یا زندگی بهتر بوده است؛

۴- ۲۱ مورد (۱۸٪) پیشنهادها و نظرها به سه موضوع تسهیلات مسکن، تسهیلات فرهنگی و اجتماعی، و فراهم آوردن مکانیزم‌هایی برای ارتباط با جامعه اختصاص یافته است؛

۵- ۱۳ مورد (۱۷٪) پیشنهادها درباره فراهم کردن و ایجاد تسهیلات برای دو موضوع کمک به ایجاد امکانات و تسهیلات آموزشی و همچنین ازدواج بوده است؛

۶- ۱۲ مورد (۱۶/۵٪) پیشنهادها ناظر به برقراری زیربنویس برای فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی بوده است؛

۷- از ۷ مورد تا ۳ مورد نیز ناظر به اقدام مسئولان برای ایجاد و فراهم کردن تسهیلات در مقوله‌های مشاوره حقوقی و خانوادگی، برقراری رابط ناشنوایان و تسهیلات برای ارائه کمک بوده است.

بحث

متأسفانه در زمینه اشتغال معلولان، به‌ویژه ناشنوایان، پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است. از این رو ما تنها به بحث پیرامون یافته‌های حاضر می‌پردازیم. این پژوهش نشان داد گروه‌های سنی اعضای کانون را گروه‌های جوان تشکیل می‌دهند، به طوری که ۷۵ درصد اعضا را ۱۸ تا ۴۵ ساله‌ها و ۲۵ درصد اعضا را ۴۶ تا بیش از ۶۰ ساله‌ها تشکیل می‌دهند.

بنابراین نتایج پژوهش حاکی از این است که:

الف- جمعیت دارای کار و عضو کانون بیشتر در سنین

جوانی قرار دارند؛

بسیاری برخوردار است (۱۳ و ۱۴). ضروری است توجه به امر اشتغال ناشنویان امری جدی تلقی شود و ارگان‌های مسئول با اندیشیدن تدبیر این گروه از معلولان خاموش را تحت حمایت‌های خود قرار دهند و تسهیلاتی جهت کاربایی آنان فراهم آورند.

میزان درآمدها نیز حاکی از رابطه بیرونی در فضای اقتصاد کار و مرتبط با فضای درونی مشاغل حاکم در جامعه به تناسب دستمزدهای اتصال شده است. این میزان‌ها نشان داد که احتمالاً کمبود درآمد ناشی از شغل با کاهش ضریب پس‌انداز رابطه دارد. این مفهوم در جامعه مورد بررسی این احتمال را نیز به ذهن متبادر می‌سازد که ناشنویان در مقابل هزینه‌های اجتناب‌ناپذیری که متحمل می‌شوند تا چه حد بدون حامی هستند و نسبت پایداری‌شان در مقابل حوادث عملاً سبب کاهش اعتماد به نفس آنان می‌شود.

در مورد رتبه هزینه‌های ذکر شده هزینه‌های مربوط به مسکن از عمده مشکلات افراد جامعه از جمله ناشنویان است. با توجه به این که در شرایط کنونی از جمله مسائلی که به‌طور کلی در حوزه اشتغال، و به‌طور اخص در مورد ناشنویان دارای اهمیت است عبارت است از پایداری و مقیم بودن در شغل و تکرار موارد در تغییر شغل، چون اقامت در شغل نشان‌دهنده تثبیت وضعیت اشتغال در جامعه است.

در مورد اهمیت درآمد از نظر ناشنویان این مقوله حاکی از نگرش واقع بینانه‌ای است که ناشنویان از عنصر استقلال در زندگی دارند و درآمد را به مثابه زیربنای آن تلقی کرده‌اند. همچنین ناشنویان شغل را در عدم وابستگی به دیگران حائز اهمیت دانسته و آن را عاملی در عدم وابستگی و استقلال فردی و اجتماعی دانسته‌اند، ولی متأسفانه ناشنویان به دلیل مشکل ارتباطی غالباً مجبور می‌شوند که شغلی را بدون ارتباط با علاقه خود انتخاب کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که مؤسسات دولتی یا نهادها کمتر توانسته‌اند محمل یا میانجی باشند، به گونه‌ای که بیشترین

در آن با ارائه آموزش حرفه‌ای مناسب، ارزشیابی حرفه‌ای، راهنمایی حرفه‌ای و کاربایی و اشتغال برای معلولان سعی می‌شود به جامعه بازگردانده شوند (۴). یکی از مقوله‌های اساسی در توانبخشی حرفه‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آگاه‌سازی جامعه از توانایی‌های معلولان است، زیرا جامعه‌ای که در آن این باور وجود دارد که فرد معلول اساساً قادر به انجام کاری نیست هیچ‌گاه برنامه توانبخشی حرفه‌ای اجرا نخواهد شد (۱۲). متأسفانه بسیار دیده می‌شود که افرادی عادی به معلولان موفق به‌عنوان موجودی خارق‌العاده نگاه می‌کنند. مبنای این قضاوت‌ها، تصویر عمومی جامعه از معلولان است که آنها را افرادی مفلوک، درمانده و قابل ترحم مجسم می‌کند (۹). در این رابطه افزایش دانش تخصصی در آموزش حرفه‌ای، همراه با آرایه آموزش‌هایی که توان افراد معلول را در مدیریت تجاری برای امکان رقابت در بازار کار افزایش می‌دهد، همچنین تقویت اعتماد به نفس، ایجاد حس مسئولیت، انگیزه کاری و آگاه‌سازی جامعه در جهت تغییر نگرش و باور آنان در مورد افراد معلول، از مواردی است که می‌تواند موانع اشتغال را کاهش دهد (۱۳).

یک مقوله مهم دیگر در امر اشتغال افراد معلول، از جمله ناشنویان، میزان تسهیلاتی است که فرد در شروع و ادامه کار لازم دارد و این که حمایت‌های اصلی برای اشتغال به کار فرد ناشنوا از سوی چه مرجعی فراهم می‌شود و چه افراد یا سازمان‌هایی برای ادامه کار از او حمایت می‌کنند. از آنجا که بنگاه‌های عمومی، اعم از دولتی یا بخش خصوصی، عموماً با ناشنویان متعدد جویای کار بیگانه‌اند، محمل تسهیلات به امری بسیار جدی تبدیل می‌شود. وقتی همین موضوع را در تحقیق حاضر مورد توجه قرار دهیم درمی‌یابیم که چرا و چگونه این مقوله مهم در جامعه ما بی‌پایگاه است و همچنان تسهیلات خانواده برای شروع کار معلولان یک عنصر مهم تلقی می‌شود. اکثر افراد ناشنوا با کمک و همراهی خانواده وارد بازار کار می‌شوند و جایگاه نهادهای عمومی و اجتماعی، به‌ویژه سازمان‌های مسئول و حمایتگر افراد معلول، به میزانی نزدیک به یک چهارم تنزل می‌یابد. حال آن که این موضوع در همه انواع معلولیت‌ها از اهمیت

علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، که با نظرات کارشناسی خود ما را در قسمت بحث یاری نمودند، و همچنین، از سرکار خانم مهشید فروغان و خانم آذر پترامی، آزیتا پارسا نژاد، محبوبه خورشیدی، اعضای گروه ناشنویان و گروه مدیریت توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، کمال تشکر را داریم.

میزان شغلیابی را خود ناشنویان به عهده داشته‌اند و کمتر از ۱۰ درصد این بار را سازمان بهزیستی به‌عنوان حامی و یا میانجی عهده‌دار بوده است. این مقوله حاکی از عدم توجه سازمان‌های مسئول در مقوله اشتغال معلولان از جمله ناشنویان است.

سپاسگزاری

از آقای دکتر احمد فتوحی، جامعه‌شناس و عضو هیأت

REFERENCES

1. Kozak AT, Grundfast KM. Hearing loss. *Otolaryngol Clin North Am.* 2009;42(1):79-85.
2. Smith RJH, Bale JF, White KR. Sensorineural hearing loss in children. *Lancet.* 2005;365(9462):879-90.
3. McConkey R, Mezza F. Employment aspirations of people with learning disabilities attending day centres. *J Intellect Disabil.* 2001;5(4):309-18.
4. Lindsay S. Employment status and work characteristics among adolescents with disabilities. *Disabil Rehabil.* 2011;33(10):843-54.
5. Robinson JE. Access to employment for people with disabilities: findings of a consumer-led project. *Disabil Rehabil.* 2000;22(5):246-53.
6. Arora S. Department of International Economic and Social Affairs. *Disability: Situation, Strategies and policies: United nations decade of disabled persons, part 64.* New York: Department of International Economic and Social Affairs. 1986.
7. Garci LJ, Laroche C, Barrette J. Work integration issues go beyond the nature of the communication disorder. *J Commun Disord.* 2002;35(2):187-211.
8. Loprest P, Maag E. Issues in job search and work accommodations for adults with disabilities. *RES SOC SCI DISABI.* 2003;3:87-108.
9. Woodhams C, Corby S. Then and now: disability legislation and employers' practices in the UK. *Br J Ind Relat.* 2007;45(3):556-80.
10. Feldman DC. The role of physical disabilities in early career: vocational choice, the school-to-work transition and becoming established. *HUM RESOUR MANAGE R.* 2004;14(3):247-74.
11. Duff A, Ferguson J, Gilmore K. Issues concerning the employment and employability of disabled people in UK accounting firms: An analysis of the views of human resource managers as employment gatekeepers. *BRIT ACCOUNT REV.* 2007;39(1):15-38.
12. Kramer SE. Hearing impairment, work, and vocational enablement. *Int J Audiol.* 2008;47 Suppl 2:124-30.
13. Bonds BG. School-to-work experiences: curriculum as a bridge. *Am Ann Deaf.* 2003;148(1):38-48.
14. Castellanos P, Septeowski D. Career development for persons with learning disabilities. *Adv Spec Educ.* 2005;16:157-81.